

پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۰، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۳
صفحات ۵۱۴-۴۹۳

انواع تغلیظ دیه در فقه و حقوق کیفری ایران

محمدجواد فتاحی*

استادیار پردیس فارابی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۳/۶/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۹۳/۸/۲۱)

چکیده

تغلیظ دیه از جمله کیفیات مشدده اختصاصی عینی است که به چهار طریق صورت می‌گیرد. تشدید و تغلیظ دیه، مختص جرم قتل است که با توجه به نوع قتل و زمان ارتکاب در ماه حرام یا مکان ارتکاب در حرم مکه، نوع و میزان تغلیظ تفاوت می‌کند. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در موارد تغلیظ دیه از اقوال مشهور فقها متابعت کرده است، اما در مقام اجرا، در مواردی مقامات دستگاه قضا با تعیین صرفاً یک نوع دیه، مرز تفاوت میان دیه قتل عمد، غیرعمد و خطای محض را نادیده گرفته‌اند و در نحوه تغلیظ دیه نیز بر این زاویه‌گیری از حقوق کیفری اسلام افزوده‌اند. در این مقاله ضمن بررسی روش‌های چهارگانه تغلیظ دیه، بر ضرورت تعیین و تغلیظ بر حسب انواع مختلف قتل تأکید شده است.

واژگان کلیدی

تغلیظ دیه، حرم مکه، زمان پرداخت دیه، ماه‌های حرام، مسئول پرداخت دیه.

مقدمه

جهات تشدید مجازات، اوصاف و کیفیاتی است که قانونگذار تعیین کرده است و سبب بالا رفتن میزان مجازات می‌شود و برعکس کیفیات مخففه (که قاضی می‌تواند با وجود این کیفیات در مجازات مرتکب جرم تخفیف قائل شود) تشدید مجازات تنها در صورتی ممکن است که از طرف خود قانون پیش‌بینی شده باشد و قاضی نمی‌تواند به میل خود و در غیر از مواردی که تشدید مجازات از طرف قانون مقرر شده است، مجازات جرمی را تشدید کند (فتحی، ۱۳۷۹: ۷۸). تغلیظ دیه از جمله کیفیات مشدده اختصاصی است که عبارت از اسباب و عواملی هستند که در جرایم خاصی موجب تشدید مجازات می‌شوند. فارغ از اینکه ماهیت دیه را مجازات یا حیران خسارات بدانیم یا آن را به‌عنوان یک تأسیس حقوقی مستقل در حقوق کیفری اسلام شناسایی کنیم، پرداخت دیه به چهار طریق، تغلیظ و تشدید می‌شود.

در بررسی انواع تغلیظ دیه ملاحظه می‌شود که تشدید دیه مختص جرم قتل و بسته به عمدی، غیرعمدی یا خطئی بودن آن، نوع و میزان تغلیظ متفاوت است و همچنین در مواردی تغلیظ دیه به سبب ارتکاب قتل در ماه‌های حرام یا حرم مکه خواهد بود. آنچه مسلم است تغلیظ دیه از کیفیات مشدده عینی است و چون مجازات به دلیل طبیعت و نوع جرم یا زمان و مکان ارتکاب جرم تشدید می‌شود، مجازات شرکا و معاونان جرم نیز تشدید خواهد شد.

تغلیظ در لغت به معنای تشدید کردن، تأکید کردن و غلیظ کردن و چیزی را بر کسی سخت و درشت کردن است (مصطفی ابراهیم، ۲۰۰۴، ج ۲: ۶۵۹).

معجم‌لغه‌الفقهاء، تغلیظ را مصدر «غَلِظَ» و مقابل «الرَّقَه» و غلیظ را به معنای شدید و قوی آورده و تغلیظ دیه را به معنای افزودن و اضافه کردن به وصف یا تعداد دانسته است (قلعجی، ۱۴۰۸: ۱۳۸).

فقها تغلیظ دیه را در اصطلاح به معنای افزایش دادن میزان دیه یا مرغوب کردن کیفیت اصناف دیه در صف و سن یا در نحوه پرداخت آن توسط جانی به کار برده‌اند (نجفی، ج ۴۳: ۲۶؛ ابوالبرکات، بی تا، ج ۹: ۵۵۲).

در فقه، تغلیظ دیه به چهار روش صورت می‌گیرد: ۱. تغلیظ دیه در وصف و سن شتران؛ ۲. تغلیظ دیه به اعتبار زمان پرداخت؛ ۳. تغلیظ دیه به اعتبار پرداخت‌کننده و ۴. تغلیظ دیه با افزودن یک سوم.

۱. تغلیظ دیه در وصف و سن شتران

یکی از روش‌های تغلیظ دیه، بر مبنای صفت و سن شتران است و به این اعتبار، دیه در قتل عمد نسبت به قتل شبه‌عمد و خطای محض شدیدتر و سنگین‌تر و همین‌طور دیه قتل شبه‌عمد از دیه قتل خطای محض غلیظ‌تر است.

الف) مقدار دیه در قتل عمد

قتل عمد عبارتست از: «ازهاق نفس معصومه مکافئه به‌طور عمدی و عدوانی» (شرح لمعه، ج ۲، بی تا: ۲۶۷). مجازات اصلی در قتل عمد، قصاص است و تنها در مواردی که اجرای قصاص مقدور نیست، مانند مجنون بودن مقتول یا وجود رابطه ابوت و بنوت بین قاتل و مقتول به نحوی که قاتل، پدر و جد پدری مقتول باشد یا تراضی و توافق ولی دم و جانی و... به اخذ دیه مبادرت می‌کنند.

مقدار دیه در قتل عمد پس از سقوط قصاص، یکصد رأس شتر یا دویست رأس گاو یا هزار رأس گوسفند یا دویست حله یا هزار دینار یا ده هزار درهم است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۲: ۶، ۷، ۱۰ و ۱۲) ولی این معنا انکارشدنی نیست که در روایات متعدد، ملاک را صد شتر یا قیمت صد شتر قرار داده‌اند (بجنوردی، ۱۳۷۶: ۷۹). حنفیه و مالکیه بر این اعتقادند که دیه واجب فقط از شتر، طلا و نقره باید ادا شود. احمد و ابویوسف و محمد، دیه واجب

را در شش نوع می‌دانند و گاو گوسفند و حله را هم بر سه نوع قبلی اضافه می‌کنند. شافعی نیز در رأی اول خود مطابق حنفیه و مالکیه فتوا می‌داد، ولی بعدها دیه را منحصر در شتر دانسته است (عوده، ۱۴۱۳: ۱۷۶).

فقه‌ها تغلیظ دیه بر مبنای صفت و سن را مختص پرداخت دیه از طریق شتر دانسته‌اند و در سایر اجناس دیه، از این حیث به تغلیظ قائل نیستند. در مورد کیفیت تغلیظ دیه از حیث سن و صفت شترها، در قتل عمد فتاوی مختلف است.

دیدگاه اول: فقهای امامیه در قتل عمد چنانچه دیه از جنس شتر پرداخت شود، آن را مشروط به مسن بودن شتران دانسته‌اند و فرموده‌اند: شتران باید «مسان‌الابل» و به تعبیر دیگر «تثنیه» باشند، یعنی شترها باید بیش از پنج سال تمام داشته و داخل شش سال شده باشند (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۲: ۵۵۴؛ شهید ثانی، بی‌تا، ج ۲: ۴۲۸؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۹۸) درباره «مسان‌الابل» برخی از فقها معتقدند، که باید از جنس نر باشند (محقق خوئی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۱۸۷) و برخی دیگر تفاوتی میان نر یا ماده بودن شترها قائل نیستند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۲: ۶).

دیدگاه دوم: مالکیه، شافعیه، محمد بن حسن از حنفیه و بعضی از حنابله و ضحاک از ظاهریه، معتقدند دیه قتل عمد چنانچه دیه از جنس شتر پرداخت شود، باید شترها سی حقه^۱، سی جذعه^۲ و چهل خلیفه^۳ باشند (شرینی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۵۳)

دیدگاه سوم: حنفیه به جز محمد بن حسن، برخی از حنابله، مالکیه، زیدیه و اباضیه، معتقدند پرداخت دیه قتل عمد در صورتی که از جنس شتر باشد را باید به صورت تربیع

۱. جذعه، شتری است که چهار سال کامل داشته و وارد سال پنجم شده باشد.

۲. جذعه، شتری است که چهار سال کامل داشته و وارد سال پنجم شده باشد.

۳. خلیفه، شتر حامله را گویند.

(چهارگانه) یعنی بیست و پنج جذعه، بیست و پنج حقه، بیست و پنج بنت لبون^۱ و بیست و پنج مخاض^۲ پرداخت کرد (ابن قدامه، ۱۴۰۶، ج ۹: ۴۸۹).

ب) مقدار دیه در قتل شبه عمد

در سن و وصف شترها در دیه قتل شبه عمد نیز بین فقها اختلاف نظر وجود دارد:

برخی از فقهای امامیه معتقدند هرگاه قاتل بخواهد دیه را از جنس شتر ادا کند، باید چهل شتر از آنها حامله باشند، اعم از اینکه ثنیه^۳ یا بازل عام^۴ باشند و سی حقه و سی بنت لبون (محقق خویی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۱۹۵). امام خمینی ضمن بیان این قول که در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است، روایت دیگری را نیز که بر لزوم ادای سی و سه حقه و سی و سه جذعه و سی و چهار ثنیه طروقه الفحل^۵ دلالت دارد، ذکر کرده‌اند و حق اختیار جانی را در مطالبه هر کدام از دو قول بعید نمی‌دانند و لیکن احوط را در تصالح طرفین دانسته است (امام خمینی، بی‌تا، ج ۲: ۵۵۷). البته در این زمینه بین فقهای امامیه اقوال دیگری نیز مطرح است. صاحب جواهر عمل به روایت عبدالله بن سنان را ترجیح داده و بر آن اساس فتوا می‌دهد. در صحیح عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام و آن حضرت از امیرالمومنین علیه السلام نقل می‌کند که دیه شبه عمد اگر از شترها پرداخت شود باید سی بنت لبون، سی حقه و چهل خلفه باشد. ابن جنید، مقنع، جامع، مقتصر، غنیه، تحریر، و مسالک، نیز مطابق این روایت فتوا داده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳: ۱۷).

۱. بنت لبون، شتر ماده‌ای است که دو سال تمام داشته و وارد سال سوم شده باشد.

۲. بنت مخاض، شتر ماده‌ای است که یک سال تمام داشته و وارد سال دوم شده باشد.

۳. ثنیه، شتری را گویند که پنج سال به بالا داشته باشد.

۴. بازل عام، شتری است که هشت سال را تمام کرده و وارد سال نهم شده باشد.

۵. طروقه الفحل، شتری است که استعداد حاملگی داشته باشد.

فقه‌ها و مذاهب اهل سنت نیز در سن و وصف شترها در پرداخت دیه قتل شبه‌عمد اختلاف نظر داشته‌اند و آرای متفاوتی را اتخاذ کرده‌اند: برخی قائل به تربیع و معتقد به ادای بیست و پنج حقه، بیست و پنج جذعه، بیست و پنج بنت‌مخاض و بیست و پنج بنت‌لبون هستند. ابوحنیفه، ابویوسف، حنابله و اباضیه بر این عقیده‌اند (ابن قدامه، ۱۴۰۶، ج ۹: ۴۹۱). برخی دیگر مانند مالکیه، شافعیه، زندیه، و محمد بن حسن از حنفیه، قائل به ادای شترها به نحو تثلث هستند، به طوری که باید سی حقه، سی جذعه و چهل خلفه داده شود (شریبی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۶۸). شایان ذکر است کسانی که قتل را منقسم به دو قسم عمد و خطا کرده‌اند، قتل شبه‌عمد را در حکم عمد می‌دانند و به همین دلیل، دیه قتل شبه‌عمد را مانند قتل عمد سی حقه، سی جذعه و چهل خلفه به‌شمار می‌آورند (ابن رشد، ۱۴۱۵، ج ۲: ۴۰۱؛ ابن قدامه، بی تا، ج ۴: ۲۸۲).

ج) مقدار دیه در قتل خطئی محض

قول مشهور فقهای امامیه در قتل خطای محض این است که اگر عاقله بخواهند دیه را از جنس شتر ادا کنند، باید سی حقه، سی بنت‌لبون، بیست بنت‌مخاض و بیست ابن‌لبون بدهند. البته در این زمینه دو قول دیگر نیز وجود دارد: یکی قول ابن حمزه است که دیه قتل خطای محض را بیست و پنج بنت‌مخاض، بیست و پنج بنت‌لبون، بیست و پنج حقه و بیست و پنج جذعه می‌داند و دیگری فتوای شیخ طوسی در مبسوط و ابن ادریس در سرائر است که دیه قتل خطای محض را بیست بنت‌مخاض، بیست ابن‌لبون، بیست حقه، بیست جذعه، و بیست ابن‌مخاض می‌داند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳: ۲۴؛ محقق خویی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۱۹۷). امام خمینی ضمن بیان قول مشهور و قول ابن حمزه، ترجیح روایت نخست را (که قول مشهور مبتنی بر آنست) بعید ندانسته‌اند و احتمال تخیر هم می‌دهند، به نحوی که عاقله به انتخاب یکی از دو روش پرداخت مخیر هستند و مصالح طرفین را احوط می‌دانند (امام خمینی، بی تا، ج ۲: ۵۵۷).

چنانچه ملاحظه می‌شود دیه قتل خطای محض از لحاظ وصف و سن شتران، نسبت به قتل عمد و شبه‌عمد خفیف‌تر است، به‌ویژه آنکه در قتل عمد حامله بودن تعدادی از شترها را شرط دانسته‌اند. فقهای اهل سنت نیز پرداخت دیه قتل خطای محض را به‌صورت اخماس (پنج‌گانه) تقسیم کرده‌اند، به‌نحوی که عاقله باید بیست بنت مخاض، بیست ابن مخاض، بیست بنت لبون، بیست حقه و بیست جذعه ادا کنند. البته مالک و شافعی به جای ابن مخاض، ادای ابن لبون را شرط کرده‌اند (ابن قدامه، ۱۴۰۶، ج ۹: ۶۹۵).

د) نحوه تغلیظ دیه از حیث وصف و سن شتران در قانون مجازات اسلامی

ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ در ادای دیه بین اقسام قتل عمد، شبه‌عمد و خطای محض تفکیک قائل نشده و مقرر کرده است: دیه قتل مرد مسلمان یکی از امور شش‌گانه ذیل است که قاتل در انتخاب هر یک از آنها مخیر است و تلفیق آنها جایز نیست.

۱. یکصد شتر سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشند؛
۲. دویست گاو سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشند؛
۳. یکهزار گوسفند سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشند؛
۴. دویست دست لباس سالم از حله‌های یمن؛
۵. یکهزار دینار مسکوک سالم و غیرمغشوش که هر دینار یک مثقال شرعی طلا به وزن ۱۸ نخود است؛
۶. یکهزار درهم مسکوک سالم و غیرمغشوش که هر درهم به وزن ۱۲/۶ نخود نقره است.

ماده ۲۹۸ تنها در پرداخت دیه در قتل عمد در صورتی که از نوع شتر باشد، سن شتران را شرط دانسته و مقرر کرده است: «دیه قتل عمد در مواردی که قصاص ممکن نباشد و یا ولی مقتول به دیه راضی شود، یکی از امور شش‌گانه فوق خواهد بود، لکن در کلیه

مواردی که شتر به‌عنوان دیه تعیین می‌شود، لازم است که سن آنها پنج سال گذشته و داخل در سال ششم شده باشد.

بنابراین در طول دوران حاکمیت قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ با توجه به تعیین قیمت شترها و ابلاغ آن توسط وزیر دادگستری در عمل در پرداخت دیه تفاوتی میان اقسام قتل اعمال نمی‌شد که از این حیث روال طی شده مغایر با اقوال فقها به شرح پیش‌گفته بوده است، زیرا چنانکه ملاحظه شد در فقه امامیه و اهل سنت، پرداخت دیه از نوع شتر در قتل عمد از قتل شبه‌عمد شدیدتر و دیه قتل خطای محض از دو نوع دیگر خفیف‌تر بوده است، در حالی که این امر مورد توجه قانونگذار در سال ۱۳۷۰ قرار نگرفته بود.

قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۵۴۹ مقرر کرده است: «موارد دیه کامل همان است که در مقررات شرع تعیین شده است و میزان آن در ابتدای هر سال توسط رئیس قوه قضاییه به تفصیل بر اساس نظر مقام رهبری تعیین و اعلام می‌شود». بدیهی است رئیس قوه قضاییه باید در ابتدای هر سال به تعیین سه نوع دیه قتل عمد، شبه‌عمد و خطای محض مبادرت کند و با توجه به مقررات شرع، دیه قتل عمد را نسبت به قتل شبه‌عمد و خطای محض شدیدتر تعیین کند، به نحوی که دیه قتل شبه‌عمد از دیه قتل عمد خفیف‌تر و از دیه قتل خطای محض شدیدتر باشد و در این زمینه باید بر اساس فتوای مقام رهبری و قول مختار ایشان عمل کند. در حالی که رئیس قوه قضاییه طی بخشنامه‌ای صرفاً به تعیین یک دیه برای انواع سه‌گانه قتل بسنده کرده که از این حیث به‌نظر می‌رسد از مفاد متن ماده ۵۴۹ عدول شده است.

۲. تغلیظ دیه به اعتبار زمان پرداخت

الف) زمان پرداخت دیه در قتل عمد

در جنایت‌های عمدی چنانچه شرایط قصاص وجود داشته باشد، شاید قصاص با تراضی جانی و ولی دم به دیه تبدیل شود. در این صورت طرفین می‌توانند در مقدار دیه و مهلت

پرداخت آن توافق کنند، ولی در جنایت‌های عمدی که ثبوت دیه به جای قصاص به اصل شرع است نه بر اثر صلح و تراضی، مثل جنایت پدر بر فرزند و ... در این صورت اصل دیه به حکم شرع ثابت است و در مقدار دیه و مهلت پرداخت آن نمی‌توان تراضی کرد (گرجی، ۱۳۸۰: ۴۹).

در قتل عمد، مشهور فقهای امامیه پرداخت دیه در مهلت یکساله است، یعنی نباید در پرداخت دیه بیش از یک سال تأخیر کرد و آغاز احتساب سال هم از زمان تراضی طرفین بر پرداخت دیه است و نه از تاریخ جنایت (محقق خویی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۱۹۰؛ امام خمینی، بی‌تا، ج ۲: ۵۵۵؛ اردبیلی، ۱۴۱۶: ۹۹).

شیخ طوسی پرداخت دیه قتل عمد را فوری می‌داند و می‌فرماید: «دلیل ما اجماع فرقه و نیز دلالت وجوب بر فوریت است، نه تراضی و تأخیر، زیرا جواز تأخیر، به دلیل شرعی محتاج است و یا باید بین طرفین در تأخیر پرداخت تراضی شده باشد (شیخ طوسی، بی‌تا، ج ۵: ۱۱۹).

در میان مذاهب اهل سنت نیز تنها حنفیه قائل به تراضی است و پرداخت دیه را در قتل عمد موجب و مهلت پرداخت را سه سال ذکر کرده‌اند و در سایر مذاهب، پرداخت دیه در قتل عمد، فوری و به صورت تعجیل است، زیرا دیه بدل از قصاص است و قصاص فوری انجام می‌شود، پس بدل آن هم باید فوری باشد و تأخیر موجب تخفیف بر قاتل است و حال آنکه در قتل عمد، قاتل مستحق تغلیظ است و نه تخفیف (ابن قدامه، ۱۴۰۶، ج ۷: ۷۶۴؛ شربینی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۵۳).

ب) زمان پرداخت دیه در قتل غیر عمد

مشهور فقهای امامیه مهلت پرداخت دیه در قتل شبه‌عمد را دو سال ذکر کرده‌اند، زیرا دیه قتل شبه‌عمد باید از قتل عمد حقیقی‌تر و از خطای محض شدیدتر و غلیظ‌تر باشد، بنابراین چون مهلت پرداخت دیه در قتل عمد یک سال و در خطای محض سه سال است،

باید دیه در قتل شبه‌عمد ظرف دو سال استیفا شود (محقق حلی، ۱۴۰۹، ج ۴: ۲۲۹؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳: ۲۱؛ اردبیلی، ۱۴۱۶: ۱۱۵). محقق خوئی این رأی را استحسان محض دانسته است و قائل به آن نیست و پرداخت در سه سال را می‌پذیرد (محقق خوئی، ۱۳۹۶، ج ۲، ۱۳۹۶: ۱۹۵). ابن حمزه در وسیله، استیفا را در صورتی که قاتل غنی و در یسر باشد یک سال و در غیر این صورت دو سال می‌داند (عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱۰: ۳۶۱) بر وفق عمل خلیفه دوم که در این زمینه به پرداخت دیه توسط عاقله طی ۳ سال حکم کرده بود، همه مذاهب اهل سنت به پرداخت دیه جنایت شبه‌عمد چنانچه دیه کامل یا بیشتر از ثلث باشد، طی سه سال فتوا داده‌اند (ابن قدامه، ۱۴۰۶، ج ۹، ۱۴۰۶: ۴؛ کاسانی، ۱۴۱۷، ج ۷: ۲۵؛ جزیری، ۱۹۹۵، ج ۵: ۲۷۶).

ج) زمان پرداخت دیه در قتل خطای محض

فقه‌های امامیه با استناد به صحیحۀ ابن ولاد پرداخت دیه را در قتل خطئی محض سه سال می‌دانند، به نحوی که در هر سال یک سوم دیه را بپردازند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳: ۲۴). این مهلت سه ساله در تمام انواع قتل خطئی رعایت می‌شود، خواه دیه تام و کامل باشد، مثل قتل مرد مسلمان و خواه دیه ناقص باشد، مثل دیه زن مسلمان و عبد و ذمی و جنین و حتی در دیه اعضا هم همین مهلت سه‌ساله را قائل شده‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۹، ج ۴: ۲۲۹؛ امام خمینی، بی‌تا، ج ۲: ۵۵۷).

در بین فقه‌های مذاهب مختلف اهل سنت نیز در پرداخت دیه قتل خطا در مدت سه سال خلافت نیست (کاسانی، ۱۴۱۷، ج ۷: ۲۵۶؛ ابن رشد، ۱۴۱۵، ج ۲: ۳۲۷).

د) زمان پرداخت دیه در قانون مجازات اسلامی

ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ مهلت پرداخت دیه را در موارد مختلف از زمان وقوع قتل به این شرح مقرر می‌کرد:

الف) دیه قتل عمد ظرف یک سال؛

ب) دیه قتل شبه‌عمد ظرف دو سال؛

ج) دیه قتل خطای محض ظرف سه سال.

قانونگذار تنها در قتل شبیه به عمد قائل به مسامحه شده و در ماده ۳۰۳ مقرر کرده بود: «اگر قاتل در شبیه عمد در مدت معین قادر به پرداخت نباشد، به او مهلت مناسب داده می‌شود». در ماده ۴۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ همان مهلت‌های مندرج در ماده ۳۰۲ قانون مجازات ۱۳۷۰ لحاظ شده و محکوم^۱ را مکلف دانسته است چنانچه پرداخت‌کننده در بین مهلت‌های مقرر نسبت به پرداخت تمام یا قسمتی از دیه اقدام کند آن را قبول کند. به استناد ماده ۴۸۹ نیز در جنایت خطای محض، پرداخت‌کننده باید ظرف هر سال، یک‌سوم دیه و در شبه‌عمد، ظرف هر سال نصف دیه را بپردازد که از این حیث نیز قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با قول مشهور فقهای امامیه تطابق بیشتری دارد.

۳. تغلیظ دیه به اعتبار پرداخت‌کننده

الف) در قتل عمد

در قتل عمد قاتل باید قصاص شود و اصل در جنایت عمدی، قصاص است، مگر در مواردی که اجرای قصاص مقدور نیست، مانند فرار قاتل یا مردن قاتل قبل از قصاص یا جنایت پدر نسبت به فرزند یا وقتی که مقتول مجنون باشد. همچنین متصور است در صورت تراضی و توافق ولیّ دم و جانی، به اخذ دیه یا مبلغی کمتر یا بیشتر از دیه مقدر مصالحه شود. فقهای اهل سنت هم اصل را در عمد قصاص دانسته‌اند، ولی برخی ولیّ دم را در قصاص یا اخذ دیه مخیر می‌دانند (ابن قدامه، ۱۴۰۶، ج ۹: ۳۳۴).

در جنایت عمدی خواه در مواردی که مجازات تعیینی و اصلی آن دیه باشد، مثل قتل فرزند توسط پدر، و ... و خواه پرداخت دیه به صلح و تراضی باشد، باید از مال جانی پرداخت شود (شیخ طوسی، بی‌تا، ج ۵: ۱۱۹).

با توجه به اینکه از راه‌های تغلیظ دیه، پرداخت آن توسط جانی است، به‌نحوی که کسی از عاقله یا بیت‌المال در پرداخت با وی مشارکت نداشته باشد، تمامی مذاهب اهل سنت نیز در قتل عمد، پرداخت دیه را بر عهده جانی دانسته‌اند (شریبینی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۵۳؛ زیدان، ۱۴۲۸: ۳۵۶).

(ب) در قتل شبه‌عمد

در نظر فقهای امامیه، پرداخت دیه در قتل شبه‌عمد بر عهده جانی است و عاقله و بیت‌المال در این زمینه تکلیفی ندارند و برخی بر این رأی ادعای اجماع کرده‌اند (عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱۰: ۳۶۰) و اگر مرتکب قتل شبه‌عمد فرار کند و دستیابی به او ممکن نشود تا بمیرد، دیه از مال او اخذ می‌شود و اگر مالی نداشته باشد بنا بر عقیده برخی از فقها، دیه بر عهده خویشاوندان او به ترتیب طبقات ارث خواهد بود (محقق خویی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۱۹۶) و برخی دیگر از فقها معتقدند اگر جانی مالی نداشته باشد، دیه از بیت‌المال تأدیه می‌شود (امام خمینی، بی‌تا، ج ۲: ۵۵۷).

در میان فقهای امامیه، فقط حنبلی به ثبوت دیه بر عاقله فتوا داده است (اردبیلی، ۱۴۱۶: ۱۱۰). در بین مذاهب اهل سنت، حنفیه، شافعیه و حنابله معتقدند با توجه به اینکه در قتل شبه‌عمد، تعدد محض وجود ندارد، تغلیظی نسبت به جانی صورت نمی‌گیرد و مسئول پرداخت دیه عاقله خواهد بود. اما مالک قتل را به دو نوع عمد محض و خطای محض می‌داند و قتل شبه‌عمد را به قتل عمد ملحق کرده است و چنانچه امکان قصاص فراهم نباشد، پرداخت دیه را بر عهده جانی می‌داند (مالک، ۱۴۰۶، ج ۳: ۷؛ ابن قدامه، ۱۴۰۶، ج ۹: ۴۹۱).

(ج) در قتل خطای محض

در قتل خطائی وقتی که جانی خود به قتل اعتراف کند، رأی همه فقهای مذاهب اسلامی پرداخت دیه توسط خود جانی است و جز اصم (از فقهای عامه و خوارج) کسی به خلاف این قول قائل نشده است (اردبیلی، ۱۴۱۶: ۱۳۰؛ کاسانی، ۱۴۱۷، ج ۷: ۲۵۶).

اگر عاقله نتوانند دیه را ادا کنند یا از پرداخت آن امتناع کنند یا اخذ دیه از آنها ممکن نباشد، آنگاه ادای دیه بر شخص قاتل واجب می‌شود (محقق خویی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۱۹۷). در دیهٔ اعضا، حنفی و حنبلی معتقدند دیهٔ کمتر از ثلث باید از مال قاتل ادا شود (ابن قدامه، ۱۴۰۶، ج ۹: ۵۰۲).

همچنین مالک، شافعی و حنبلی، تنها عاقله را مسئول پرداخت دیه می‌دانند، ولی ابوحنیفه معتقد است قاتل نیز همچون فردی از عاقله، باید در ادای دیه مشارکت کند (ابن قدامه، ۱۴۰۶، ج ۹: ۴۹۷). در فقه امامیه اجماع و اخبار متواتره بر ضمان عاقله در پرداخت دیهٔ خطای محض دلالت دارد (اردبیلی، ۱۴۱۶: ۱۳۰).

د) تغلیظ دیه به اعتبار پرداخت‌کننده در قانون مجازات اسلامی

مادهٔ ۳۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ مسئول پرداخت دیه در قتل عمد و شبه‌عمد را خود قاتل می‌داند و در مواد ۳۰۵ و ۳۰۹ در زمینهٔ قتل خطای محض قائل به تفکیک بود، به نحوی که اگر قتل با بینه یا قسامه یا علم قاضی ثابت می‌شد، پرداخت دیه بر عهدهٔ عاقله بود و اگر با اقرار قاتل یا نکول او از سوگند یا قسامه ثابت می‌شد، پرداخت دیه بر عهدهٔ قاتل قرار می‌گرفت.

مواد ۴۶۲ و ۴۶۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مفاد مواد مذکور در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ را عیناً تکرار کرد و مادهٔ ۴۷۰ مقرر می‌کند: «در صورتی که مرتکب دارای عاقله نباشد یا عاقلهٔ او به دلیل عدم تمکن مالی نتواند دیه را در مهلت مقرر بپردازد، دیه توسط مرتکب و در صورت عدم تمکن، از بیت‌المال پرداخت می‌شود».

۴. تغلیظ دیه با افزودن یک سوم

الف) در فقه امامیه

در بین فقهای امامیه، تغلیظ دیه در ماه‌های حرام (رجب، ذی‌القعدة، ذی‌الحجه و محرم) مورد اتفاق است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳: ۲۶). ولی در تغلیظ دیه در حرم مکه اختلاف نظر

وجود دارد. شیخ طوسی و شیخ مفید قائل به تغلیظ دیه در زمینه قتل در حرم مکه هستند (شیخ مفید، ۱۴۱۰: ۷۴۳؛ شیخ طوسی، بی تا: ۷۵۶) ولی محقق حلی و بسیاری دیگر از فقها، قائل به تغلیظ نیستند (محقق حلی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۱۰۱۷؛ محقق خویی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۲۰۴؛ مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۲۴: ۲۸). ریشه اختلاف فقهای امامیه در این مورد در نحوه قرائت کلمه «حرم» در روایت محمد بن یعقوب است که از زراره نقل شده: «قلت لابی جعفر ع رجل قتل رجلاً فی الحرم؟ قال علیه دیه و ثلث و یصوم شهرین متتابعین من اشهر الحرم و یتنق رقبه و یطعم ستین مسکیناً...» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۴: ۱۴۰، ح ۹؛ وسایل، ۱۴۰۹، ج ۱۰: ۳۸۰، ح ۲) برخی از فقها آن را حرم (به ضم «حا») و «را» خوانده‌اند و از آن ماه‌های حرام را فهمیده‌اند و برخی دیگر آن را حرم (به فتح «حا») و «را» قرائت و از آن حرم مکه را برداشت کرده‌اند.

در زمینه تغلیظ دیه در قتل در سایر مشاهد مشرفه و حرم مدینه، صاحب جواهر، الحاق آنها به حرم مکه را بعید نمی‌داند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳: ۲۹) اما برخی دیگر از فقها، سایر حرم‌ها را مشمول این حکم نمی‌دانند (امام خمینی، بی تا، ج ۲: ۵۵۸؛ محقق خویی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۲۰۳).

شهید ثانی در صورتی که دو سبب تغلیظ با هم جمع شوند، قائل به قاعده تداخل است و تنها یک دیه را کافی می‌داند، ولی صاحب جواهر اعتقاد دارد اگر دو سبب تغلیظ با هم جمع شوند، مثل قتل در حرم مکه و در ماه‌های حرام، باید دو ثلث بر دیه افزوده شود (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳: ۲۹).

در اینکه آیا تغلیظ دیه نسبت به قتل عمد تحقق می‌یابد یا در سایر انواع قتل‌ها مثل شبه عمد و خطای محض هم دیه تغلیظ می‌شود، بین فقها اختلاف است. فاضل هندی قائل به اختصاص دیه به قتل عمد است و می‌فرماید: «ظواهر ادله اقتضاء می‌کند که تغلیظ دیه مخصوص قتل عمد باشد، چنانچه عبارت شیخ در نهاییه به آن اشاره دارد و نیز به جهت

تعلیلی که در این مسئله وجود دارد تغلیظ صورت می گیرد و انتهاک در صورتی است که تعدی در کار باشد. همچنین اصل براثت اقتضاء دارد که قاتل مکلف به تأدیة بیش از دیه نباشد. خروج از این اصل به طور یقین فقط با ارتکاب قتل عمد صورت می گیرد» (فاضل هندی، ۱۴۲۴، ج ۲: ۳۱۶). صاحب جواهر نیز با استناد به روایت «من قتل فی شهر حرام فعلیه دیه و ثلث» (صاحب جواهر، ۱۳۶۵، ج ۱۰: ۲۱۵) می فرماید: «استنظهار عموم از «من موصوله» با ظهور «قتل» که صله است و حالت عمد را می رساند در تعارض بوده و همواره ظهور صله بر ظهور موصول مقدم است، زیرا ظهور موصول تابع ظهور صله است، ضمن اینکه ذکر کفاره عمد شاهد خوبی در این زمینه می باشد» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳: ۲۸).

شیخ طوسی نیز در نهاییه تغلیظ دیه را در قتل عمد مطرح کرده است و می فرماید: «اگر کسی شخصی را در حرم و یا در یکی از ماه های حرام بکشد و بنا شد که از او دیه گرفته شود، باید یک دیه کامل به اضافه یک سوم بپردازد و این اضافه به جهت هتک حرمتی است که مرتکب شده و اگر خواستند او را قصاص کنند، صرفاً او را می کشند» (شیخ طوسی، بی تا: ۷۵۶). چنانچه ملاحظه می شود از عبارت نهاییه به خوبی فهمیده می شود که شیخ طوسی فرض مسئله را در صورت قتل عمد پذیرفته است.

فقهای امامیه در جنایت بر اعضا، قائل به تغلیظ دیه نیستند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳: ۳۰). همچنین به نظر آنها قتل در حالت احرام و هنگامی که مقتول از محارم جانی باشد، موجب تغلیظ دیه نیست (محقق خویی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۲۰۴).

ب) در فقه اهل سنت

شافعی و حنبلی ارتکاب قتل خطئی در یکی از ماه های حرام، در حرم مکه، در حال احرام یا توسط یکی از محارم را موجب تغلیظ دیه می دانند (رملی، بی تا، ج ۴۲: ۴۸۲). شافعی تغلیظ در غیر خطا را متصور نمی داند و در مورد تغلیظ دیه قتل خطئی قائل به این هستند که دیه خطا برابر دیه عمد می شود (ابن قدامه، ۱۴۰۶، ج ۹: ۴۹۹) ولی در نظر حنابله

چنانچه قتل خطا در حرم مکه و در ماه حرام و مقتول از محارم قاتل باشد و قتل در حالت احرام انجام شده باشد، برای هر کدام از محرمات فوق یک‌سوم دیه را تغلیظ می‌کنند و هرگاه چهار مورد محرمات مذکور با هم جمع شود، دو دیه و یک‌سوم دیه باید پرداخت شود (ابوالبرکات، بی‌تا، ج ۹: ۵۵۲).

حنابله با استناد به قیاس اولویت، قتل عمد در یکی از چهار صورت فوق را هم موجب تغلیظ دیه می‌دانند. ابوحنیفه و مالک هیچ‌یک از موارد مذکور را موجب تغلیظ دیه نمی‌دانند (شیخ طوسی، بی‌تا، ج ۵: ۱۱۹؛ ابن رشد، ۱۴۱۵، ج ۲: ۴۵۲).
فقه‌های اهل سنت که قائل به تغلیظ دیه در قتل هستند، جنایت بر اعضا را هم موجب تغلیظ می‌دانند (ابن قدامه، ۱۴۰۶، ج ۹: ۵۰۰؛ ابن رشد، ۱۴۱۵، ج ۲: ۴۵۲).

ج) در قانون مجازات اسلامی^۱

ماده ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ دیه قتل، اعم از قتل عمد، غیرعمد و خطئی محض را در یکی از ماه‌های حرام یا در حرم مکه معظمه، موجب تغلیظ دیه به میزان یک‌سوم می‌دانست و سایر امکان و ازمه را هر چند متبرک باشند، از شمول حکم تغلیظ مستثنا می‌کرد.

ماده ۵۵۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «هرگاه رفتار مرتکب و فوت مجنی علیه هر دو در ماه‌های حرام (محرم، رجب، ذی‌القعدة و ذی‌الحجه) یا در محدوده حرم مکه واقع شود، خواه جنایت عمدی خواه غیرعمدی باشد، علاوه بر دیه نفس، یک‌سوم دیه نیز افزوده می‌گردد. سایر مکان‌ها و زمان‌های مقدس و متبرک، مشمول حکم تغلیظ دیه نیست».

۱. بخشنامه رئیس قوه قضاییه به این شرح است: «در اجرای ماده ۵۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و با توجه به بررسی‌های بعمل آمده، قیمت دیه کامله در ماه‌های غیرحرام از ابتدای سال ۱۳۹۳، مبلغ یک میلیارد و پانصد میلیون ریال تعیین می‌گردد».

همان‌طور که ملاحظه می‌شود قانونگذار حکم تغلیظ دیه در ماه‌های حرام و حرم مکه را در این ماده مختص قتل عمد (خواه پرداخت دیه، حکم اصلی در قتل عمد باشد، مثل قتل فرزند توسط پدر و خواه به علت عدم امکان قصاص یا عدم جواز آن دیه پرداخت شود) و قتل غیرعمد کرده است. اما در ماده ۵۵۶ این حکم را بر قتل خطای محض نیز تعمیم داده است و مقرر می‌کند: «... تغلیظ دیه در مواردی که عاقله یا بیت‌المال پرداخت‌کننده دیه باشد نیز جاری است...». به استناد ماده ۴۶۳ قانون مجازات اسلامی در جنایت خطای محض، در صورتی که جنایت با بینه یا قسامه یا علم قاضی ثابت شود، پرداخت دیه بر عهده عاقله نباشد یا عاقله او به دلیل عدم تمکن مالی نتواند دیه را در مهلت مقرر بپردازد، دیه توسط مرتکب و در صورت عدم تمکن، از بیت‌المال پرداخت می‌شود. بنابراین تغلیظ دیه در ماه‌های حرام و حرم مکه شامل قتل خطائی محض هم می‌شود. همچنین قانونگذار در ماده ۵۵۶ به اختلاف‌های ناشی از سکوت قانون مصوب ۱۳۷۰ در زمینه تغلیظ دیه در مواردی که بیت‌المال پرداخت‌کننده دیه باشد، پایان داده و دیه پرداختی از بیت‌المال را نیز مشمول حکم تغلیظ دانسته است. شایان ذکر است طبق ماده ۵۵۷، تغلیظ دیه مخصوص قتل نفس دانسته شده است و در جنایت بر اعضا و منافع، حکم تغلیظ جاری نیست.

نتیجه‌گیری

در فقه اسلامی، تغلیظ دیه به چهار روش صورت می‌گیرد. در روش اول، تغلیظ دیه در وصف و سن شتران است که بین مذاهب مختلف در نحوه تغلیظ از حیث کیفیت وصف و سن شتران اختلاف نظر وجود دارد. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ به اینکه « شترها سالم و بدون عیب باشند، به نحوی که خیلی لاغر نباشند » اکتفا کرده و از هیچ‌کدام از اقوال مذاهب و فتاوی در این زمینه تبعیت نمی‌کرد، اما قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در

ماده ۵۴۹ با بیان اینکه «موارد دیه کامل همان است که در مقررات شرع تعیین شده است و میزان آن ... بر اساس نظر مقام رهبری تعیین و اعلام می‌شود» فتاوی رهبری را در مانحن‌فیه، فصل الخطاب قرار داده، هر چند تاکنون در این زمینه فتوایی از معظم‌له مشاهده نشده است. در روش دوم، تغلیظ دیه به اعتبار زمان پرداخت است که با وجود اتفاق نظری که در زمان پرداخت دیه در قتل عمد و خطای محض وجود دارد، درباره قتل شبه‌عمد اختلاف نظر وجود دارد و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مهلت پرداخت دیه در قتل عمد را ظرف یک سال، در قتل شبه‌عمد ظرف دو سال و در قتل خطئی محض، ظرف سه سال تعیین کرده است. در روش سوم، تغلیظ دیه به اعتبار پرداخت‌کننده نیز، موضوع در مذاهب مختلف اسلامی محل اختلاف است. قانونگذار مسئول پرداخت دیه در قتل عمد و شبه‌عمد را خود قاتل دانسته و در زمینه قتل خطای محض قائل به تفکیک شده است، به نحوی که اگر قتل با بینه یا قسامه یا علم قاضی ثابت شود، پرداخت دیه بر عهده عاقله است و در غیراین صورت قاتل مسئول پرداخت دیه خواهد بود. در روش چهارم تغلیظ دیه که مختص قتل در ماه‌های حرام و حرم مکه است، در اختصاص تغلیظ به قتل عمد، شبه‌عمد یا خطای محض، آرا متفاوت و متشتت است و همچنین در تغلیظ دیه در قتل در حرم مکه اختلاف نظر وجود دارد. برخی از مذاهب اهل سنت علاوه بر دو مورد فوق موارد دیگری را نیز موجب تغلیظ دیه تا یک‌سوم دیه کامل می‌دانند. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تغلیظ دیه به میزان یک‌سوم را در زمینه قتل در ماه‌های حرام یا در حرم مکه پذیرفته و آن را به اقسام مختلف قتل تعمیم داده است.

با توجه به تفاوت وصف و سن شتران در اقسام مختلف قتل، لازم است در اجرای ماده ۵۴۹ قانون مجازات اسلامی، رئیس قوه قضاییه هر سال، به تعیین سه قیمت متفاوت برای قتل عمد، شبه‌عمد و خطای محض مبادرت کند، به نحوی که دیه قتل عمد از قتل شبه‌عمد و خطای محض بیشتر باشد و دیه قتل شبه‌عمد از دیه قتل عمد خفیف‌تر و از دیه قتل

خطای محض شدیدتر باشد. با توجه به تأثیر قیمت دیه در اقسام سه‌گانه قتل در بحث تغلیظ دیه در ماه‌های حرام، ضرورت تعیین سه نوع دیه آشکارتر می‌شود که متأسفانه تاکنون مقامات دستگاه قضا به این مهم وقعی نگذاشتند و تنها به تعیین یک نوع دیه بسنده کرده‌اند، پس اصلاح روش موجود پیشنهاد و تأکید می‌شود.

منابع

١. ابن رشد، محمد بن احمد (١٤١٥هـ ق)، *بدايه المجتهد و نهايه المقتصد*، ج ٢، بيروت، دارالفكر.
٢. ابن قدامه، عبدالله بن احمد (١٤٠٦هـ ق)، *المغنى*، ج ٩، رياض، دارالعلمالكتب.
٣. ابن قدامه مقدسى، ابو عمر بن محمد (بى تا)، *الشرح الكبير*، ج ٤، بيروت، دارالكتاب العربى.
٤. جزيرى، عبدالرحمن (١٩٩٥ م)، *الفقه على المذاهب الاربعه*، ج ٥، بيروت، منشورات دارالتقليين.
٥. حرعاملى، شيخ محمد بن حسن (١٤٠٩هـ ق)، *تفصيل وسائيل الشيعه الى تحصيل مسائل الشريعه*، ج ١٠، قم، موسسه النشر الاسلامى.
٦. خمينى، امام روح الله (بى تا)، *تحرير الوسيله*، ج ٢، نجف، مطبعه الاداب.
٧. محقق خويى، سيد ابوالقاسم (١٣٩٦هـ ق)، *تكملة المنهاج*، ج ٢، قم، علميه.
٨. ابوالبركات (بى تا)، *الشرح الكبير*، بيروت، دارالاحياء الكتب العربيه.
٩. رملى، احمد بن حمزه (بى تا)، *نهايه المحتاج الى شرح المنهاج*، بيروت، دارالفكر.
١٠. زيدان، عبدالكريم (١٤٢٨هـ ق)، *التفاصيل و الدييات فى الشريعه الاسلاميه*، بيروت، موسسه الرساله.
١١. سرخسى، شمس الدين ابوبكر (١٤٢١هـ ق)، *المبسوط*، بيروت، دارالفكر.
١٢. شربينى، شمس الدين محمد (١٤١٥ هـ ق)، *مغنى المحتاج الى معرفه معانى الفاظ المنهاج*، ج ٤، بيروت، دارالفكر.
١٣. شهيد ثانى، زين الدين بن على (١٤١٦هـ ق)، *مسالك الافهام الى تنقيح شرايع الاسلام*، قم، موسسه المعارف الاسلاميه.
١٤. _____ (بى تا)، *الروضه البهيه فى شرح اللمعه الدمشقيه*، بيروت، ج ٢، دارالعالم الاسلامى.

۱۵. طوسی، شیخ ابوجعفر محمد (۱۳۸۷ هـ ق)، مبسوط، تهران، انتشارات حیدریه.
۱۶. _____ (۱۳۶۵ هـ ش)، تهذیب الاحکام، ج ۱۰، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۷. _____ (بی تا)، *نهایه فی المجردالعقده و الفتاوی*، قم، انتشارات قدس محمدی.
۱۸. _____ (بی تا)، *خلاف*، ج ۵، قم، جامعه مدرسین.
۱۹. عاملی، سید محمد جواد، (۱۴۱۹ هـ ق)، *مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه*، ج ۱۰، قم، موسسه النشر الاسلامی.
۲۰. عوده، عبدالقادر (۱۴۱۳ هـ ق)، *التشريع الجنایی*، بیروت، موسسه الرساله.
۲۱. فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۲۴ هـ ق)، *کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام*، قم، موسسه النشر الاسلامی.
۲۲. فتحی، محمد جواد (۱۳۷۹ هـ ش)، *بررسی انتقادی کیفیات مشدده عمومی در قانون مجازات اسلامی*، مجله مجتمع آموزش عالی قم، سال دوم، شماره ۷ و ۸، صفحات ۷۷-۱۱۰.
۲۳. قلعجی، محمد (۱۴۰۸ هـ ق)، *معجم لغه الفقهاء*، بیروت، دارالنفاس.
۲۴. کاسانی، ابوبکر (۱۴۱۷ هـ ق)، *بدائع الصنائع فی ترتیب الشرايع*، ج ۷، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
۲۵. کلینی رازی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹ هـ ش)، *اصول کافی*، ج ۴، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامیه.
۲۶. گرجی، ابوالقاسم و همکاران (۱۳۸۰ هـ ش)، *دیات*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۷. مالک بن انس (۱۴۰۶ هـ ق)، *الموطأ*، ج ۳، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
۲۸. مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۰ هـ ق)، *مرآه العقول فی شرح اخبار آل الرسول*، ج ۲۴، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۹ هـ ق)، *شرايع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، تهران، انتشارات استقلال.
۳۰. مصطفی، ابراهیم و دیگران (۲۰۰۴ هـ ق)، *المعجم الوسیط*، مصر، مکتبه الشروق الدولیه.

۳۱. مفید، محمد بن محمد بن النعمان (۱۴۱۰هـ ق)، *المقنعه*، قم، موسسه النشر الاسلامی.
۳۲. موسوی اردبیلی، عبدالکریم (۱۴۱۶هـ ق)، *فقه الديات*، قم، منشورات مکتبه امیرالمومنین.
۳۳. موسوی بجنوردی، محمد (۱۳۷۶هـ ش)، *فقه تطبیقی*، تهران، نشر میعاد.
۳۴. نجفی، شیخ محمد حسن (۱۴۰۴هـ ق)، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، ج ۴۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه.